

# نامہ سرگشادہ

به کادرها، اعضاء و همکاران انقلابی  
“سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر”

رسانه! سوپرلاین امروز روز میگان و ها اکسپریس هم  
آبرسانام و معنی سخوار نیم همراهی روز میگان ما دنیاع رسانه  
بازارواری، یک انتها شاکمکی بود. لغزش مکرر شد، کمال  
آنکه مروع و دموج از سوی اس آن دلیل مست میگشت، همانند این  
که: «نه، عالم در حسن بیرون روانه باش و رانگشتر کوچه ساده و  
جمیع نعم ممکن شده باشد» بود. تاکنون بزرگی از زرمندان،  
از آنها متفقی و طبیعی انتها غافل شدند و حتی حاکم سراسر میان  
درورمهه سوری - رئیسه و احوال شاکمک است، راجهه امروز  
این احترامات و احتجاجی اتکار می‌نمیرد و نوع شفیری میان  
آنها من در وطن اساسی است. عدم درگ میان ایشان و سولیسومهای  
داران در شهر امسوا نعم درگذشت. عدم درگ انسان  
دموتا ایشان، همانند مسح طوف خوکت هنایش مرویهاریا مسوی  
سویا ناسن، خط کوتاه اهداف و سرمهه خداوند و حد تکنیک پرسنل  
روز و گاهی داری موقت نیست بد نویزهه داری «سلسله» دوایی،  
نحوه اندار شکوری لیسی دولت، عدم درگ ملوثه هژوسی  
و اولتاره ایشان در جسم سوکر ایشان، عبارت از چهار رنگ همان مسماهی چند  
میل ها، زمزایکه ایشان ایشانی سریع موادی و فرم موشک تردد  
هدایات و سوچه های مسازه اندیشکه زمک همیش و... ایشان  
بسهه های ایشان، سخوت میان ایشان و زرمندان و... ایشان  
اور بیسیم اشکار، و ایشان فتنه ها، سلته هر رفیق آزمده  
به ساریهار جویی ایشان میگشت آیینه و نیاهه شکرده، من  
تواند درین اموری مخفی داشت میان این رسانش ایشان که هم اکنون  
که ایشانه اند.

اما در سختی روزمندگان به سویا ل توبیسم ا مسری  
تکوان گمده و سبای اشد ماضی شد. زیرا اسرور سلطنه  
دنی امور مسیحی سویار مذکون موافیم که بدلیل بروز حرجی  
و مشتملات "راسکانی" این در سیدنی دوره دید فناخت مسیح  
سبایری از جاذیت سریس و بمال منزش نگاره رها و سبرو طای کنومیت  
را، به ایندر اینگذشتی بودند سار حاکمیت مسترد خن منی  
راست، برخودیم هم دل می خنند آنندما "نذر به عیاش شورش  
پول سپاهی دادند با کنومیم والر "زادگانکام" هنچا مسیح  
کشید، سود حلب سوده است. این واقعیتی است که امر اسلام  
دنی تلوی و ساخت بوروا نیز سرتا، سان روزمندگان اور سلطنه  
عن ادبیات مردم می گردند. اصل سا. و نکنان دهدنه شرایز افراد  
شده مدنی سرمهد ساده کاران. ایه، دیدنی آن مبارزی که  
توسونه سوده و امتداده داشتند ایه، سجن نه روزمندگان حسنه  
را باقی نالفع مبارزه و واپوشی نیم حاکم سرچشته و نیز همیم گردید.

رقدان! حکم امروز و نیوای سی خودش نهاده بخشن درسوی مکان می‌بلد  
خوبان ابوروزنیسی سلطنه جزو زمان و زمانه‌گان سیار می‌رود.  
اتخاون بیکارگان بد سورین مقدم عینی، ناب تخلص از کسانی  
که راه ورسی خراس می‌دانستند که سایوسا امیر بوروز اشی  
را داده اندیشیده دوپاس معای مارکسم امدادی، و سما آن می‌خواهد  
بروکناری امروز داشت، هر چیز می‌خواهد و روح خواهی داشت، گفته  
شکان حرست خود را ای بیگمن خربنی می‌بیند، سه، سایوسر  
دشنه واسیل شوپنیم - سایوسالیسم درخواست، و همین برسی  
بوروز ای دویل - درون چشم، ای گو دیگو صافی مخصوص بوروز  
دازی از لذتی الطاعز عاریه سمه ما پیشست و هر خواهی داشتی  
بوکنیستی سوری می‌توشد، بیزاری می‌آمدند و غریب، سایر رسانیان  
او را خودش خودسین می‌نگردند، کارکاران بیاند از چنین.  
بوروز ایشند سی سرما نامی می‌بینند، سلامی بدری خوبی سیسته  
با عایق برخوردید! ای سمام امروز من سادیان رزمندان ای،  
نام مانند و سیب "ناوسی"، کدام قله و عمار و سعادت و رضادن  
کارکردن، کدام داعیه "تحلیل صور از سراسه محن" سیوا  
نه داشت بوروز ایشند و ایزورنیسی همین سه دانه‌گردانه می‌شون  
ایند، امور دینی ایکار رزمنده است که حد می‌شند سیسته سایر اهالی  
زمینکاران ساداهم مخفی و ناش موانع و بقدر خود، سیسا  
می‌صلیت می‌توفت کامل شده دام بوروز ای، حد منسی می‌شتر ها طبله  
داود، آیا کنمی هفت که سیر مکون و نکامل امور و نهاده دو  
بار اهان خوشبیانی نهادی خلق را شد داده دست و چشم آیند  
خیوسی و ایزای خوبی ای ملکه ای مددکانی، می‌رسم بیکم؟

روکردن این صرسی زامان و زمینه‌کاران از راکیم اسلامی  
و آنکارا خود می‌دانند این روش سیم برآن . امروز فاصل ابتداء، اسا  
از سطح نظر مفهوم پرولتاریانی ایران شتران گشته، و باشد  
ساز است . فاصل اینستا رسود، زیرا همه امور و سیمی حاکم بر  
زمینه‌هاست، بیش از این سیز سکرات لاستی حوزه‌ای شوری مبارز  
کسم اسلامی آنده شیوه رسانیده بود، تباران برپاداری هست .  
معلم کوشی ها و لطفی های تکمیر سر زراسان اینستهانی و دسته‌داد  
سورزادی از برچاری سخیل و رون از اینهلا حامر و وظایف، سوره  
لاریا و گوکوسمنی در آن شناخته بودورانه کنمیم پرولتاری  
مکن شیوه‌رونوی اسلامی ماوراء، طبقاتی راجا گیریم ما را کیم  
نمیمیم و مملوکورونش آن دربرهایم و اهل ساکنیک شنبه‌ی سوده  
سود، نایل استنایرسود . زمواخت حاکم سورزمدکان تجزیکا می‌بل  
خود را زدرگ نواسین حرکت رسوسای اتحادی سرمایه‌داری ایران  
در منون شیوه‌رسک و جهنی و ملتفت سوچوفه اینکارهایه بود، زارمان  
زمینه‌کاران گوشیده سودتنه "تکل جب" حصنه می‌دل شود،  
سی آنکه معلومات بایه‌ای چنین جمیں هدفی را درخود حمیع  
داشته ساده‌باختی آشناستاد . سطح اثناهه زمینه‌کاران در این  
ملتفت، را دیدگاه‌ی سیمی "سود که نه زینتوی" . سرتانه و سیزهای  
مسا روانی "زادگیال سرس" طمعه عمر خاور، سروتساوبا، بلکه  
از ذهنیمی خرد و زرورزادی شان سایه می‌گیردت . ماده سیم حسنه  
کوشیده سایه مفهای شیوه‌های حیثیت‌گوییمنی در مباره‌ها  
زرسیز پیشیم جهیمی زمینه‌کاران می‌بینندیم ، اما برخورده را صد

اما شما چگونه می توانید از عهده مسؤولیت خطیر امروز خود برآمدید؟

به اینها مادر و مادر اول و نعمتمن کشته آشست که بیارزه باشد.  
ایبورتوتیسم سلط سازمان خود را سازن و نطاچت از محدوده  
سازمانی "سرون کشیده" و علما در طبع جمیع کومنیتی شروع  
کرد. این اولین و نعمتمن قدم در راه طریق ایبورتوتیسم را  
سازمانی روزمندگان ایستاد. فراهمسوس نکریم  
کشیده عالیه ساپرکیم سا ایبورتوتیسم بد امر "خانگی" و "دورون  
سازمانی" بیست، ایبورتوتیسم گذشت سلط بزرگ مندان امری  
تسبیب که متواتر در محدوده "جهاد پهلوی اختباری" تشكیلات  
وزمندگان و رسپتاوی موافیز و موقابله! رسنا و رسماحتات درون  
سازمانی حل و فصل شود. هر لیتل درجه ب محصور کردن این میانزده  
در زیرا و جوب تکلیفات روزمندان خود شناسی ایبورتوتیسمی است.  
شناخت است رسرا خدارگاه داشتن ما را کیم انتقامی در درون روز-  
مندان از سفر عمومی آن در سطح کل جهش کومنیتی. آیسا  
آن که امور متش ایبورتوتیست ایدر درون سازمان روزمندان  
نمایندگی میکند خود رفاقت سازمانی، سروزیز و سیم و ایبور-  
رسومیم، از رسنشن ناکامی اخواری تکیه نزدندند؟ آیا این  
امور در اینجا از "کشاشی اکثریت" و در تحلیل سیاستی جدا از  
مسن عمومی خربناک رسنیم سورزاوش در سلاح حاصمه، رسه  
سا کیم افلانس بورش اورده اند؟ اکرسه، مارکیم انتقامی  
در درون روزمندان میر شاید غالب و طاره هر چیز خانگی و  
سینه بود. علیمی تکردن سازمانی و میرون سازمانی نمایندگی کشیده  
خواست برحق بروتاری است. بیان رزه ایمبلوزیک را علیمی  
کشیده نمیتوانند آنکه از رسنا، فعالیه و انتکار را رسنا می دستای  
و زندگی افلانس بورش اورده اند؟ اکرسه، مارکیم انتقامی  
در درون سازمانی و میرون سازمانی نمایندگی کشیده  
زک و علیمی کشیده ناپروساویا بستاد آنان و آنکه "روزمند  
کشان" را برای سعدیل اوسه حمله و اگر استندا، ستم و جنگ  
سورزاوشی می خواهد، آیا این کندرمندان و هر سازمان مدل دیگر  
را میزرازیریکت او سمو سوسائیتیم می داند، تضمیر دهد. معا-  
زه ایمبلوزیک را علیمی کشیده نمایندگی کومنیتی-  
ستواتر از نعلیمی خیافت شماره برویش ایبورتوتیسم و طردان  
از سازمان روزمندان باری بروتاری، رسنیم سورزاوش، رسنیم  
و اتفاق "شهیده سه شکل" را رسای بروتاری و ماده ای-  
سایه "حوت" شکل را، حتی آنچه سورزاوشی نام آن، از  
کان آن انسار آن را میازی گرفته است بخط کشمیم، با رسرا  
حفظ نام، ارگان و اندیار آن باری بروتاری، رسنیم سورزاوش، رسنیم  
حتی نکه رهقهونه "آبرو را ری سازمانی" و شناس در "رفع درجه و  
مقابل بازی و رسنیم شنیده در درون شکل" را از حاسمشما  
تسلیم بد ایبورتوتیسم شکل کشیده، که سلاح همینی سورزاوشی  
ایم، خواهد شدیده و دلائل شکت حد سوزان را، در این بورت.  
در پیش این امر و نقشه در همین امر مستحو خواهد کشید. امورو طه-  
ست محدود مادنی رساره مارکیم ایبورتوتیسم در روزمندان  
نه درون روزمندان، جزوی خواه بورتوتیسم شکل کشیده بیست و  
ایبورتوتیسمی که رانده حضشی و دنی من بقای ایبورتوتیسم جای  
می اسد. رساره با ایبورتوتیسم سایه و درگذاران معاشر-  
با ایبورتوتیسم شکل کلی برها همچند شکست میزد. "تبدیل-  
شکل کشیده"، آنچه که معاشر هم خود دسته کشیده مارکیم  
افلانسی "درون رسنیم سازمان" شداید، مطلع اید مادر-  
کیمیتی اید، و تراویط رسه امروز شناسن قبودت را این بورت داشت-  
داد. است ناین شلی خوده سورزاوشی از "شهید شکل کشیده"  
را انتکار افکیم و محضوی و اتفاق آن، سمعنی مکانت را مدد  
در منطقه خرسان ایبورتوتیسمی مذهب افتخار اکاء شد. آن

مورد هدوم بیو رازی ندا و گرینه اندومیزه نداره هر کوتا هی  
و سایپکبری در ساره هرجه شندره دنر، سریع شرونا طعا شناسرا  
چو سان مسلط، سندن شنکلیلاش خوبین را از گفت گشاده است. و سوجه  
به این واقعیت است که ما را زان منداده نداره جمهه "ما" می‌سل  
بعنده می‌شنی "و آموزده" مشطوه وزندگان لوازو رویم و به  
و ظایف تعلق ای که همه ما و سایلان گرفتار و رمنده در عالم  
آن، سوچیده داریم سپردازیم .

ایبورتوتیم در پرسنل های پهنا پین و متعددش به جذبیت گشود  
ندمیستی خوان ایوان و دسما و رده های محدود آن در مشترکی و تا نسبت  
و مستقل بگذارد؛ اینجا می باشد عبارت ایصال که کوشی تقریبی  
است که تکله گونه های میان سان و ادمن بروزد. احکام روزمری  
نمیستی، مسافت های خوده سوروزادی و سانکتیک عای اسکارا و ایوان  
روتسیمی آینه ای میان حاضر خاطر در سلاح جنوب کا وگری و گوکو  
که و میمی طرح و مسلمانه می شود که کوشی دنانتی به برولتا و پیا  
را کیفیتی می بینی. این مکوت سرد و اول، این سی نداشی ملتهب  
از علنه های خوده سوروزادی سان و ماسی، این کونه اندیشی  
و ساده نوچی - که از فقنان درک عمق از وظیفی که نارسخ  
استغل سوسیا لیستی چهار سرعته این سیل از گفت نهایی  
ایران نهاده است، نهات می گیرد و این آیا سوسیم در مساوازه  
اید شاپاوزک، دیگر ساید که درهم نکنند شود. ایبورتوتیم می  
دیگر نعنی نتواند وساید که من نتوان و می کنفر می امتد. دیگر  
سیم و مان و ساید اجراه داد که هر تازه نهاده ای "سی هراس  
او از شنت حکم لیستیت جا سردا جایش، بی خبر ای از رسوایی ایدی  
در زند برولتا رسانی انتقالی، دست، در ایان شتوري و تا نکنیک  
سوروزادی کند و هر آنچه می خواهد بسیرون کند و بجز برولتا رسانی  
داده. اگر لشی و ملکوب کنها تمهی ای به بلخاند ها و کا شوکی  
ها فرموده دادند، اگر ذره ای بر ایان سرگردیده، ما شیرجه از  
که در مقابل ملادان و هرگونا امروزی شان دنارا و مسلحانه کنیم

١٦

اگر بک لحظه بیانندیتیکد که انتقامی سایرین و مسٹر  
هزارو رخ نمی دهد، اگر بیانندیتیکد که شایعه نشاند سایرین و مسٹر  
نمی دهد، اگر میباشدیتیکد که پرولتاریای اسراور در شما میسری  
طول نهار رخ نمی دارد خود استجمند می باشند که شناختن خود میوشی  
نژدیک مسعوده است و اگر میباشدیتیکد که مشتی که پرولتاریای  
روپه د روا امثال فرون حاضر سرعت دیده داشت اینکه مردم شاهزادی  
پرولتاریای امیران صدکتمی میکند، آشکار درخواهد باشد  
نه مامله هنچش کمونیستی نهای شنوسیم با چه سرعی و درجه  
مدت کوتا یعنی میباشد طبق خود، درخواهند باشت که میباشند و از ارش  
و اقمعی کوچکترین مساوردها و سکرهاي برولتری که میباشد در  
حواله هدیه بافت که کوچکترین معادلات ما ابورتوییم ماجه هفده  
نشیعی عضم تاریخی ای درمناسل بیوروز ازی هنرآد است، و  
سالاغری درخواهند باشت که حریقت قاتله شما، به همان شدید  
امساینهاشی میعنی دربرک مطلع بعین شایعه جمیت کمونیستی ماهیت  
چه حد میتواند معموم و نسبیتی کننده شاد، جوانان ما را کمی میمی  
انقلابی درگشروا، به شماره سک کلبت، می شک مسلولیت  
خطیری در مناسل سوری جدید ابورتوییم و لطفه آن بزم زمان  
در زمینگان برویدهد، دارد، اما در این میان و تئله شماران را  
که نایه امروز کوچیمه اید تا زارون شنکلیات برزمگان بسرا  
سوستانیم میگند، سرتاچ خانم نرانت، زیرا لا این  
شنکلیات نه است که امور رخ نمیباشد سوده خودم فراز کرده است  
و تائیها، فرمایه رهای سایرورتوییم رزمگان که از حساد  
این مازیمان صورت پنیدند، می آشکه متواته سخنورخیت شاید بیویند  
کیان راهه مارکیسم انتظامی دریزیم این مازیمان مکن گردیده  
آنکه بتواند سخنوری شفاوار، به همانه میوری تخلیع میخشد  
درزون مازیمان رزمگان سیمبل و تصریع شاید، ساکریز از مواد  
جذبه مامونه رخانکایت بسیار خواهد بود.

که دوام ایست جنگ، کوسنستی مارا اسر و مفعکه خویس ساخته  
اسه و آر شنمه هنی بک دساواره، بک سنت ویک درک سبمسا دی  
شتویک و تاکمیکی محروم شوده است، سندم و مهدعلان سانسکه  
با ماضه ری مو اس ماند، نیمه صفر تاریخ شاهزاده هان خرد سورا و این  
خود دادم که از دست مذکوم،

و دسته ای سهایه مبارزه قاطع و علی‌الجهة مبارزه علیه ابوروتو  
نهضه حاکم سپاهان روزگار دنگان می‌تواند این شکل‌گذار در  
نهضه پهلوی سازی را در دهد. هرچند تحلیل در رویارویی انتشار  
ها بیرون‌شیوه، غرضیه همان را از هر دو ایجاد و هرسن  
"تروریسم" استخراج و پیکی رجی "شکلات" شعری جو فرمودادن  
به تویان ای بیرون‌شیوه می‌نماید. برای میزونی کوید ما و گمی‌سیم  
شکلاتی در دوران روزگار داشتیم، که نیز کوید ما و گمی‌سیم  
برویان آن و دست "جو هردو را داشت آن از سارمانه صورت افراط  
و آن‌ها مرغ برآمد "دواخان" ویا "آفتکش انتقامی" ویا "خواهد  
داشت". حال آنکه سرمه‌تسلیل و امکان انتشار و علی‌الجهة شایر جشن  
و افغا کوششمنی واخلاق حنک علی‌الجهة شاهه ابوروتو سیم، دور-  
شیوه ای هرچند را از سارمان مخصوص سرمه‌تسلیل نمی‌سازد. اگر  
بی‌پیش‌رسانی که سارمان روزگار داشتند می‌باشد سرای برولتاریا و مای‌ای استنلا  
می‌مقدم کردند، امکان لازم است که به برولتاریا و جشنی و اتفاق  
شکلات‌شیوه ای اتفاق ممکن که می‌تواند مسکل در درویان سارمان  
در سراسر ای امور سرمه‌تسلیل حاکم هر آن وجود دارد و مای‌ای شرمسز شود.

دوهاره از همکاری ایوان و وزارت ومه حمایت ۴۰ دویل ایسکو  
کمیسیون شناختنی موضع سرایان موینشیتی سازمان اسناد میگذارد،  
دوماً مکون، مردوکانی که موینشیت ایران بروکاره سازمان حضرت  
هریکد، هنرآور و ساده‌ترین می‌گردند، دویل سکوت‌ساز و ملهم  
ایرانی موینشیت سام خواه، سخا مولنکت، آنچه خود را ساخته نام  
دارانه‌ترستند از اینها، اسکارا و مادانه شدند به سرویس اسناد  
ایرانیان موضع داشتند که در تسلیم از مردمکان رومانی و مسکن  
و ایرونیستی از کدام روزهایی که دنیا می‌گذشت، روئی  
گذشتند که شومنابیل از "ریشکاتس" گرد سرویس اسناد ایرانی است.  
من را نهاده دماغ از مژوه‌ترین جاذبه‌های اسلامی عذکار نظری و هم  
چنانی ملائک فرشاد و داده، سما حکیمه مکری‌سیده‌زاده و مسی دویسیست  
از رسنیان از آن‌یعنی طبق، که ریزی نامید، آیا سکون‌دعا داده  
سما گواه نیل‌سما در گردانی دویست آمده و ارم که جسمی  
بپاده‌دریا زیر بیورت‌سازه سرمه سینه‌نی که نیل‌سما خود را من -  
هزاییم. اما اکثر جسم نیست، نه از هر چشم خیالی که درباره از اراده  
برویشیم از محاری مغارب - سوی راه می‌گذسد، به ای  
عهدنشفته سرویس اسناد این‌گهی و حجمی که مخصوصیت را درداشت  
بیهیم سمع شناوری‌سازه "دروی ساره‌نیان" بخوبیم و مهند  
روزگار جنسن کام تهدیخ خود، ملکه برویس اسناد ایران و ایرانی  
در روزهای حریق، نمودگرایی و سوسالیسم نه خود می-  
زدند اند. هرچنان‌تین‌بینیں کمکه تضمیمات تغییر کنند، باشد  
قرفته، امروزه‌یصمیم باشند، ایا هم امور و هم درهای سر  
محمله از امروز ناگوییم، فاما شیشه‌ی سا و نصیحت‌س  
پردازی، برویس اسناد اموری‌تیز خواهد بود، برویس اسناد  
ظلفی، ساطرده‌خواهان اموری‌تیزی اکثریت‌دیگر مخفی  
نهاد و حمام کرده است و محرومیت‌های اکثربی دیگر تنبیه  
نمایند معمور یک معنیگردانند.

گان ساید به سرعت و قاطعیت صورت یافتند. جراحته بهمان درجه که رشد آفت اپوپتوسیم در میان زمان رزمندان، به شماره اندامه می‌رسید. ساید این نقصی حساسی بود، بهمان درجه سرعت می‌باشد. و تیاست کام ساید کام "ا" یا جانب سمت از طرف پروولوتاریا است. قاطعیت سام مکنون خواهد شد. در شرایطی که حدانقلات سوریوال امیریا لستنی می‌رود ناشایسته خود افتدند سازد. دوسرا طبقه که در شب بیک خشی منجم م.ل.، منکری سرمی ناکشی نسبتی و سیاست واحد سلیمانی که می‌بینی و می‌سازی می‌دوشد ناشایسته های خوب و میکشند راه استقرار از "الموسیقی" سوی مده که خود دو بال قتل درسر سازده رسانی میکنند. بروولوتاریا، با تجھیزه به رسانه دادن این اتفاق می‌روند. نه، در شرایطی که اوضاع عصیت خاصه زیسته را بروای بروای رسانند. شرین آن، ووش های اندیشه بروولوتاریا فرام مانته است، و سالانه در شرایطی که دورانی "یافته های سکت و مسام بیرونی" می‌شوند از پیش و به سرعت می‌رسند. بروی می‌شوند بروولوتاریا اندیشه کشیده می‌شوند. هیچکس نه بروولوتاریا، به شاریخ و سوسیا- لیسم فرمت آسراست! در وسیله هدهکه "بحرجان رزمندان" با خدی تضمینه رزمندان از طریق دیبلوماسی درویشی، میان خبری کری ها، ریش سخنی و جا شردن ها حل و فصل شود. مذاکره که سه نفع اپورپتوسیم خوب شود ساید سایک هریت رسای او لپس با رادردا رایح چشم کوشیستی ما نایابیت، رزمندان را از جنگال روپرتوسیم و اپورپتوسیم سفران گشته، رائیں معمولیم را مکنند و با هرگز شرمند مخلو هبیت باعث که شفیعی شدیم کشته شدیم.

وقد ساخته ما اپیور-سویسیم معاونه و معاونه سکته ای اخراجی  
نمدید که اپیور-سویسیم مسلط مریا زان پیان ندم به قدم در  
لست و به شوهای شلوچی از موادی خود دست گشته و دوساره  
به اینها "پی" در آمد، در این بیرون اینها مشتمل بودند که همروز  
شده اید، بلکه به عکس این اپیور-سویسیم است که سا نامول بسته  
سیاه است ۱۵ بیله کام خواهد از خود بخلش سوده و بسازش کنیمه  
است، سیاه بیمار و برد که اکترینی هان امروز نشاند و بیمس  
حریقت و باز و بیوسیم برلولی خود را سوی خوب سوده، هر چند که برای  
آرام شکایت نداشتن سوده های سارما می خود، "با شایسته" در لذت داشت  
این خوب هر زیستی هنگز دارد و چه می خواهد می خواهد ای ها و نیزی  
می مونند "ما سی دا سیم بیم خواه هر دوسر حاره ایان هر سکایی کی فدا سی حلق  
به ما نزدیک تر می شود سنتور با شخص من دیده ای خوارد را دود  
فرموده بعد حبس کنومیم سر و سوی کردن و سالم داشتن سرمه دسر و لیست  
رسانی شده از سایر "خرم ده" بهوش ظلمی دی و صلح کردن "مسک  
مهدی و شاد بیور سویسته های مانند است، راه را خودها، سیا  
همانات، سرایین خار و لایا سیم کشند و هم و اغور سرفراش خود  
ها، و سایه افسم، صیتوسیم این راهه کیم، معاشرت هر که و  
که من خواهد حرش را می سکرده و عویت نمده سا جار و کیم علیا و در  
پسنداد حبس کارگری و گکومیمیتی جرس کند، آنست که مدعی محض  
منی اشتراکی خوشنده، ساید پیسا روی بروولس اسای اشتلاشی  
اشتباخ جوشی را مینه برمد، عالی و موقعيتی را که این اشتباخ  
را شنیده است تحملی و سمعی کند، و وسائل و شوهای های رفع این  
اشتباخ را توصیح و اراده دهد، این اساس اشتباخ دار جو دلخیزی  
است که حسنه گورستی تاکنون خی در میگ مورد، در سراسر این  
بر پرتوسوان، بر احادی و اجت شمرده و تحمل کرده است، رسناء  
بعاشد کا طعنه راه را اربیل دیازی ها و فرمده بیاری های حقیری

۵۹/۵/۱:

59/5/1

را بخواهید! و در تکثیر و پخش آن مارا یاری کنید